

مجموعه ای از نصوص مبارکه درباره

عهد و میثاق

حاوی اصل فارسی و عربی و ترجمه نصوصی که در

مجموعه انگلیسی تحت عنوان **THE COVENANT**

در دسامبر ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم نشر گشته است

(تهیه و تنظیم: دائره مطالعه نصوص والواح - مرکز جهانی بهائی)

حال با نهایت مسترت اصول فارسی و عربی نصوص مندرجه در این مجموعه و نیز ترجمه فارسی فقراتی از آنها که اصلاً از قلم حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی مرقوم شده بوده به ضمیمه ارسال میگردد و توجه مطالعه کنندگان را باین نکته جلب مینماید که مجموعه حاضر با مجموعه منتشره بزبان انگلیسی مطابق است جز آنکه در مواردی معدود لزوماً عبارات بیشتری از نصوص مبارکه فارسی و عربی نقل گشته تا نقصی در ارائه کامل مطالب حاصل نشده باشد. همچنین بدیهی است که در نقل فقراتی از کتاب ظهور عدل الهی و نظائر آن که خود از انگلیسی بفارسی ترجمه گشته بعضی از اصول فارسی و عربی نصوص مبارکه مندرج گردیده است.

از طرف دار الانشاء بیت العدل اعظم

اپریل ۱۹۸۸

مقدمه

در معارف دینی عهد و میثاق عبارت از پیمانی است که حق جلّ جلاله با انسان میبندد و بموجب آن خدا از انسان کردار و رفتاری را انتظار دارد که اگر اطاعت نماید او را به عطایا و مواهب خویش مخصّص میسازد، به عبارت دیگر خداوند متعال به نوع انسان نعم و مواهبی را عطا میفرماید و متقابلاً آنان را که از آن نعم و آلاء متنعم شده اند متعهد میسازد تا به اعمال و رفتار مخصوصی که مرضی درگاه حق باشد عامل گردند. مثلاً هر مظهر الهی بموجب عهد و پیمان عامّ خویش با پیروان خود عهدی میبندد و وعده میدهد که در میقات مقرر مظهر ظهور دیگری ظاهر میشود و از آنان عهد میگیرد که دعوت آن مظهر ظهور را اجابت نمایند. همچنین آن مظهر ظهور بموجب عهد و میثاق خاصّ خویش با پیروان خود عهدی میبندد که پس از او با جانشین منصوصش بیعت نمایند. اگر چنین کنند وحدت و صفای امر الهی محفوظ خواهد ماند والا به تفرقه دچار شده قوایش به هدر خواهد رفت. این همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت و حضرت عبدالبهاء چنین عهدی را از یاران الهی در باره نظم اداری بهائی گرفت تا علی ممر الدهور بدان توجه نمایند. (ترجمه)

(قسمتی از دستخط بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء مورخ ۲۳ مارچ ۱۹۷۵)

فهرست مطالب مندرجه

اول - عهد و میثاق «... پیمانی که حق جلّ جلاله با انسان
میبندد»

دوم - «... هر مظهر الهی بموجب عهد و پیمان عام خویش با
پیروان خود عهدی میبندد...»

سوم - عهد و میثاق خاص: «... همان عهدی بود که جمال مبارک
راجع به حضرت عبد البهاء از پیروان خویش گرفت...»

چهارم - عهد و میثاق خاص: «... حضرت عبد البهاء چنین
عهدی را از یاران الهی در باره نظم اداری گرفت...»

پنجم - وفای به عهد و میثاق ضامن آن است که: «... وحدت
وصفای امر الهی محفوظ ماند...»

ششم - قوه عهد و میثاق الهی.

اول - عهد و میثاق «... پیمانی که حق جلّ جلاله با انسان
میبندد»

۱- انّ اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وحيه ومطلع امره
الذي كان مقام نفسه في عالم الأمر والخلق من فاز به قد فاز
بكلّ الخير... اذا فزتم بهذا المقام الأسنى والأفق الأعلى ينبغي
لكلّ نفس ان يتبع ما أمر به من لدى المقصود لانهما معاً لا
يقبل احدهما دون الآخر... انّ الذين اوتوا بصائر من الله يرون
حدود الله السبب الأعظم لتنظيم العالم وحفظ الأمم... انّ الذين
نكثوا عهد الله في أوامره و نكصوا على اعقابهم اولئك من اهل
الضلال لدى الغنى المتعال.

(«منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله» (* ش ۱۵۵، ص ۲۱۳)

۲- ... پس متابعت نفس ننماید و عهد الله را مشکنید و نقض
میثاق مکنید به استقامت تمام بدل و قلب و زبان به او توجه
نمائید و نباشید از بیخردان... از پروردگار خود مگسلید
و مباحثید از غفلت کنندگان.

(«منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله» ، ش ۱۵۳، ص ۲۱۱)

۳- ... نعیماً لك بما وفيت میثاق الله وعهده... کن خادماً لامر
مولاك وذاکراً بذکره و مثنیاً بشنائہ لیتبہ به کلّ غافل بعید ...

(«مجموعه الواح جمال اقدس ابهی»، ص ۱۶۸، ۱۶۹)

۴- باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس
ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به
خلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به
عموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند

(* مشخصات کامل کتب چاپی را در قسمت کتاب شناسی ملاحظه فرمائید.

که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خُلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا به نصوص قاطعه از جمیع ما میثاق وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصائح الهیه و تعالیم ربّانیه رفتار نمائیم.

(«منتخباتی از مکاتیب»، ش ۳۵، ص ۶۸)

دوم - « ... هر مظهر الهی بموجب عهد و پیمان عام خویش با پیراوان خود عهدی میبندد »

سُنَّت الهی

۵ - ... خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرموده و هیچ کتابی را نازل نفرموده مگر از کلّ اخذ عهد از ایمان به ظهور بعد و کتاب بعد گرفته زیرا که از برای فیض او تعطیل و حدی نبوده..

(«متخبات آیات»، ص ۵۹ - ۶۰)

۶ - ... حضرت ابراهیم علیه السلام عهد موعود حضرت موسی را گرفت و بشارت به ظهور او داد و حضرت موسی عهد حضرت موعود حضرت مسیح را گرفت و عالم را به بشارت ظهور او مژده داد و حضرت مسیح عهد فارقلیط را گرفت و بشارت به ظهور او داد و حضرت رسول محمد عهد حضرت باب را گرفت و باب موعود حضرت محمد بود زیرا بشارت به ظهور او داد و حضرت باب عهد جمال مبارک حضرت بهاء الله را گرفت و بشارت بظهور او داد زیرا جمال مبارک موعود حضرت باب بود و جمال مبارک عهد موعودی گرفت که بعد از هزار سال یا هزاران سال ظهور خواهد یافت و آن موعود جمال مبارک است و بعد از هزار یا هزاران سال ظهور خواهد نمود و همچنین باثر قلم اعلی عهد و میثاقی عظیم از جمیع بهائیان گرفت که بعد از صعود متابعت مرکز میثاق نمایند و سر موئی از اطاعت او انحراف نجویند و در کتاب اقدس در دو موقع صراحتاً امر قطعی فرمودند و بتصریح مبین کتاب را تعیین کردند و در جمیع ألواح الهیه علی الخصوص سوره غصن که معانی آن جمیع عبودیت عبد البهاء است یعنی عبد البهاء آنچه باید و شاید از قلم اعلی نازل و عبدالبهاء چون مبین کتابست میگوید این سوره غصن یعنی عبدالبهاء عبودیت عبد البهاء است و بس...

(لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به چارلز میسن ریمی)

ظهور حضرت بهاء الله .

۷ - ... ای ربّ هذا يوم بَشَرْتِ الكَلِّ فيه بظهورك و طلوعك
واشراقك واخذت عهد مَشْرِقِ وَحْيِكَ فِي كِتَابِكَ وَزُبُرِكَ وَصُحُفِكَ
وَالوَاحِكِ وَجَعَلْتَ الْبَيَانَ مُبَشِّرًا لِهَذَا الظُّهُورِ الْأَعْظَمِ الْأَبْهَى وَهَذَا
الطَّلُوعِ الْأَنْوَرِ الْأَسْنَى ...

(«مناجاة»، ص ۱۸۴)

عهد وميثاق حضرت بهاء الله در باره ظهور بعدی

۸ - ... وان بمثل ما قد ابعث الله الرسل من قبل نقطة البيان ليعبثن
الله من يظهره الله ثم من يشاء من بعده والله على كل شيء
قدير ...

(«منتخبات آیات» ص ۱۰۳)

۹ - من يدعي امرأ قبل اتمام الف سنة كامله انه كذاب مفتر... اگر
نفسی بکلّ آیات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنة كامله که هر
سنه آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان ونوزده شهر بما نزل فی
البيان که هرشهری نوزده يوم مذکور است ابدأ تصدیق
منماید .

(از حضرت بهاء الله منقول در «دور بهائی» ص ۵۵)

۱۰ - قرنها بگذرد ودهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا
شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع وسطوع
نماید ... واما المظاهر المقدسة التي تأتي من بعد في ظلل من
الغمام من حيث الإستفاضه هم في ظلّ جمال القدم و من حيث
الإفاضه يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد .

(از حضرت عبدالبهاء منقول در «جلوه مدنیت جهانی» ص ۱۵ - ۱۶)

سوم - عهد و میثاق خاص: «... همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبهاء از پیروان خویش گرفت...»

تعیین جانشین

۱۱ - باید اغصان و افنان و منتسبین طراً به غصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه فی کتابی الاقدس «اذا غیض بحر الوصال وقضی کتاب المبدأ فی المال توجهوا الی من اراده الله الّذی انشعب من هذا الاصل القدیم» مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم (حضرت عبدالبهاء) بوده کذلک اظهرنا الامر فضلاً من عندنا و انا الفضال الکریم.

(حضرت بهاء الله، کتاب عهدی).

۱۲ - به نص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبین کتاب فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده.

(از حضرت عبدالبهاء منقول در «دور بهائی»، ص ۶۱)

۱۳ - الیوم اهمّ امور ثبوت ورسوخ بر عهد و میثاق است که سبب رفع هر اختلاف است... عهدی که جمال مبارک گرفت آن نیست که عبد البهء مظهر موعود است بلکه عبدالبهاء مبین کتاب و مرکز میثاق است و موعود حضرت بهاء الله بعد از هزار یا چند هزار سال ظاهر شود. این است عهد و میثاق حضرت بهاء الله هرکس از آن انحراف جوید در آستان مبارک مقبول نباشد اگر اختلافی در میان آید باید به عبد البهء رجوع نمایند و کل طائف حول رضای او باشند بعد از عبدالبهاء چون بیت العدل اعظم تشکیل یابد او به رفع اختلاف پردازد. (ترجمه).

(از حضرت عبدالبهاء، «نجم باختر»، ج ۴، ش ۱۴، ص ۲۲۷)

۱۴ - در اعصار گذشته همیشه اختلافات و انشقاقات مذهبی وجود داشته است.. زیرا هرکسی فکر و عقیده جدیدی را به خدا نسبت داده است. اما حضرت بهاء الله اراده فرمود که در میان بهائیان هرگز علتی برای ایجاد اختلاف نماند لهذا بقلم مبارک کتاب عهدش را مرقوم و خطاب به منتسبین و اهل عالم چنین فرمود که من شخصی را که مرکز عهد و پیمان من است معین نمودم و باید همه باو توجه نمایند و از او اطاعت کنند زیرا اوست مبین کتاب الله و اوست واقف بر مقصد امر الله و مرجع جمیع احباء الله آنچه او بیان کند صواب است چه که اوست واقف بر اسرار کتاب الله و لا غیر. مقصود از این بیان مبارک آنکه در میان اهل بهاء دیگر اختلاف و انشقاقی نماند و همواره متحد و متفق مانند... لهذا هرکس از مرکز میثاقش اطاعت نماید از جمال مبارک اطاعت کرده و هرکس مخالفت نماید با جمال مبارک مخالفت نموده... زنهار زنهار که شخصی از فکر خود حرفی زند و از پیش خود بدعتی گذارد زنهار زنهار که چنین شخصی را اعتنائی ننمائید زیرا بموجب عهد و پیمان حضرت بهاء الله اجتناب از چنین شخصی واجب و لازم، حضرت بهاء الله از چنین نفوس بیزارند (ترجمه)

(Abdu'l-Baha', «The Promulgation of Universal Peace» 1987, pp. 322 - 323)

۱۵ - حضرت عبدالبهاء در رتبه اولی مرکز و محور عهد و میثاق بی مثل حضرت بهاء الله و اعلی صنع ید عنایتش و مرآت صافی انوارش و مثل اعلاى تعالیم و مبین مصون از خطای آیاتش و جامع جمیع کمالات و مظهر کلیه صفات و فضائل بهائی و غصن اعظم منشعب از اصل قدیم و غصن الامر و حقیقت من طاف حوله الاسماء و مصدر و منشأ وحدت عالم انسانی و رایت صلح اعظم و قمر سماء این شرع مقدس بوده والی الابد خواهد بود و نام معجز شیم عبدالبهاء بنحو اتم و اکمل و احسن جامع جمیع این نعوت و اوصاف است و اعظم از کل این اسماء عنوان منیع

« سرّ الله » است که حضرت بهاء‌الله در توصیف آن حضرت اختیار فرموده اند و با آنکه به هیچ وجه این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد مع الوصف حاکی از آن است که چگونه خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدّس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متحد گشته است.

(« دور بهائی »، ص ۵۷ - ۵۸)

۱۶ - حضرت بهاء‌الله مصدر وحی الهی در این دور افخم، و مطلع امر، و منشأ عدل، و رافع صلح اعظم، و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم، و منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم، و مؤلف قلوب، و محیی ام، و داور کردگار و شارع امر پروردگار. استقرار ملکوت الله را در بسیط غبرا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسّساتش را ایجاد فرمود و برای آنکه قوای قدسیّه منبعثه از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و در جهت مقصود همچنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیاد نهاد که قوه دافعه اش متتابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدّم جهانگیر آئین نازنینش گردیده است و حال همان قوه عظیمه میثاق مقاصد جانفزایش را بواسطه اجرائات بیت العدل اعظم استقرار بخشد و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء است مقصد اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربّانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیمش از تصرف و انحراف و تصلّب و انجماد مبری و مصون ماند.

(ترجمه).

(« قانون اساسی بیت العدل اعظم »)

عهد و میثاق بی سابقه و نظیر حضرت بهاء‌الله

۱۷ - اما اعظم امتیاز ظهور حضرت بهاء‌الله امری است که در ادیان سلف سابقه نداشته و آن تعیین و تنصیب مرکز میثاق است و به این ترتیب جمال مبارک دین الهی را از اختلاف و تفرق حفظ فرمود تا کسی را مجال نماند که در آن مذهب و مسلکی ایجاد تواند. (ترجمه)

(Abdu'l-Baha', «The Promulgation of Universal Peace, 1987, pp. 455 - 456).

۱۸ - برای آنکه قوای فائده محیطه که از مشیت نافذه سبحانیّه سرچشمه گرفته پس از افول نیر توحید از حیز امکان و طلوع و اشراقش از مطلع لامکان در مجاری حقیقیّه خویش سریان یابد و وحدت و عظمت آن محفوظ ماند جمال اقدس ابهی اساسی منصوص و بنیانی مرصوص که با قدرت و قوت بالغه مخصّص و با نفس مقدّس شارع اعظم مؤسس و موجد این کور ابداع افخم مرتبط و پیوسته است بنهاد و آن اساس تأسیس میثاق حی مبین و پیمان حضرت ربّ العالمین است که اصول و دعائم آن را طلعت نورا قبل از عروج بعالم بقا بکمال متانت و اتقان بنیان فرمود این عهد وثیق و میثاق غلیظ همان عهد قدیم و منهج قومی است که از قبل در کتاب مستطاب اقدس تصریح گردیده و هیکل قدم بنفسه المقدّس هنگامی که عائله مبارکه در ایام قرب بصعود در آخرین تودیع آن محیی رم در بالین مبارک مجتمع شده بودند بدان اشاره فرمود و آن را در کتاب وصیت خود که به «کتاب عهدی» ملقّب و موصوف است مندرج ساخت و آن ودیعه الهیه را در همان احیان به غصن اعظم و مرکز عهد اتم اقومش بسپرد... آن رق منشور و کتاب مسطور که از کلک منیر ابهی به «اکبر الواح» موسوم و در رساله ابن ذئب به «صحیفه حمراء» موصوف و منعوت... عهد و میثاقی که جمال اقدس ابهی تأسیس فرمود در کتب و صحف مقدّسه و الواح و زبر سماویّه در اعصار و ادوار ماضیه حتی در

بین آثار مبارکه حضرت ربّ اعلیٰ نظیر و مثیل ندارد چه که در هیچیک از شرایع و ادیان سالفه چنین میثاق عظیم و پیمان قویم که در این دور کریم بنیان گردیده موجود نیست و چنین قدرت و اختیار عمیم که بنصّ صریح من دون تأویل و تلویح از طرف شارع قدیر به مرکز منصوص و مقرر مخصوص عنایت شده مذکور و مشهود نه.

(«کتاب قرن بدیع» ج ۲، ص ۶۰۲)

۱۹ - ... اما بین این ظهور و ظهورات سابقه فرق و امتیاز فراوان در میان زیرا حضرت بهاءالله به نصّ صریح فرمود هذا یوم لا یعقبه اللیل و عهد و میثاقی تأسیس فرمود که به موجب آن مرکز هدایت الهیه در جهان دوام یابد. امر الله از نفوس جاه طلب که مقصدی جز قبضه زمام امور و تحریف کلمة الله نداشته خالی نبوده است. اما این نفوس مغروره همیشه سرشان به سنگ میثاق خورده و امیدشان بیأس مبدل شده است. (ترجمه).

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم، ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹)

چهارم - عهد و میثاق خاص: «... حضرت عبدالبهاء چنین عهده را از یاران الهی در باره نظم اداری گرفت...»

دو وصی

۲۰ - ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امر الله واحبای جمال ابهی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بیوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله واحبای الله است و مبین آیات الله و من بعده بکراً بعد بکر یعنی در سلاله او.

(«الواح وصایا» ص ۱۱ - ۱۲)

۲۱ - اما بیت عدل الّذي جعله الله مصدر كل خير ومصوناً من كل خطأ باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود، واعضا باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند...

(«الواح وصایا»، ص ۱۵)

۲۲ - ... مرجع كل كتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است...

(«الواح وصایا»، ص ۲۱)

۲۳ - ... آن هیاکل مقدسه (حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء) با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه توأمان بیت العدل اعظم و ولایت امر الله را به عنوان جانشینان خود معین فرموده اند که بر وفق تقدیرات مقدره الهیه به وظائفشان پردازند و این وظائف همانا اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه مؤسسات

و تطابق امر الله در عین امانت و حکمت با مقتضیات دائم
التغییر زمان و تحقق میراث مرغوب خلل ناپذیر بانی امر یزدان
در عالم امکان است. (ترجمه)

(«The World Order of Baha'u'llah»: 1974 pp. 19 - 20)

۲۴ - ... بنا بر عهد و میثاق الهی حضرت شوقی افندی در دوره
حیات مبارکش به عنوان ولیّ امر الله مرجع اهل بهاء
محسوب... و حال مقام مرجعیت اهل بهاء به بیت العدل اعظم
راجع. (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم، ۹ نوامبر ۱۹۸۱)

سلطة واختيار

۲۵ - ... فرع مقدّس و ولیّ امر الله و بیت عدل عمومی که به
انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ وصیانت
جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ روحی
لهما القداست آنچه قرار دهند من عند الله است « من خالفه
وخالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه
فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد
جادل الله و من جرده فقد جرد الله و من انكره فقد انكر الله
و من انحاز وافترق واعتزل عنه فقد اعتزل واجتنب وابتعد عن
الله... »

(«الواح وصاها»، ص ۱۲)

۲۶ - ... از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولیّ امر مبین
آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه است.
تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد
تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق
و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله
است هیچیک از این دو نمیتواند به حدود مقدّسه دیگری تجاوز
نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود...

(«دور بهائی»، ص ۷۹ - ۸۰)

۲۷ - ... باید بخاطر داشت که الواح حضرت بهاء الله بالصّراحه حاکی از آنست که اعضای بیت عدل اعظم در تمشیت امور اداری امر الله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمیباشند ونباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیّه وحتی عقاید جمهور مؤمنین و مؤمنات ویا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده اند قرار گیرند بلکه باید همواره در حال توجّه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و بر ایشان فرض است که به اوضاع و احوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند وبقضایای مرجوعه بدون شائبه غرض رسیدگی کنند . ولی حقّ نهائی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند کلمه مبارکه (آه یلهمهم ما یشاء) اطمینان صریح حضرت بهاء الله به این نفوس است وینابراین فقط این نفوس مهابط هدایت والهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین .

(«دور بهائی»، ص ۸۵ - ۸۶)

صعود حضرت ولیّ امر الله

۲۸ - در موقع صعود حضرت ولیّ محبوب امرالله از اوضاع و احوال وهمچنین مقتضیات صریح نصوص مبارکه واضح بود که برای آن حضرت غیر ممکن بود طبق مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء جانشینی برای خود انتخاب نمایند ..^(۱) (ترجمه)

(«دستخطهای بیت العدل اعظم»، ج ۱، ص ۱۵۸)

۲۹ - بیت العدل اعظم متوجّهاً مبتهلاً بعد از غور وتمعّن دقیق در نصوص مقدّسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقی افندی ربّانی ولیّ امر الله و بعد از مشاورات مفصلّ وهمچنین ملاحظه آراء حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس باین نتیجه رسید

(۱) حضرت ولیّ امر الله فرزندی نداشتند و اغصان نقض عهد نموده بودند.

که طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقی افندی ربانی بکلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد بالمره مفقود است. این قرار را به جمیع یاران ابلاغ نمائید.

(«دستخطهای بیت العدل اعظم»، ج ۱، ص ۱۵)

بیت العدل اعظم

۳۰ - عهد و میثاق حضرت بهاء الله ناگسستنی و قدرت فائقه محیطه اش خلل ناپذیر است دو کیفیت خاص که این میثاق عظیم را از موثیق الهیه در ادیان سالفه ممتاز و مشخص میسازد پیوسته لن یتغیر و نافذ بوده و خواهد بود. اول کلمه الله که در این دور اعظم بطهارت و اصالت خود باقی و به تبیینات مقدسه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله مؤکد و از تصرفات افکار و عقاید معموله بشری مبری و از قیاسات و استنباطات نارسا و تعبیرات و تفسیرات غیر منصوص مصون و محفوظ خواهد بود. ثانی هدایت الهیه که باب آن همواره مفتوح بوده و هست و اکنون از طریق مؤسسه عظیمه ای که باراده مقدسه حضرت بهاء الله تأسیس یافته و به عنایات مبارکه اش قدرت عالی و هدایت لاریبیه بدان مفوض گشته تجلی مینماید، مؤسسه ای که بر حسب مقتضیات زمان و مکان امور جامعه انسانی را تمشیت می بخشد. حضرت مولی الوری راجع به این مؤسسه عظیمه چنین میفرماید: «این مجمع مرجع کل امور است». حال مصداق بیان مبارکه حضرت بهاء الله واضح و آشکار میگردد که میفرماید: «ید قدرت الهیه این ظهور اعظم را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم امکان بنیان آنرا هرگز منهدم ننماید و اوهام بشریه بنیاد آنرا متزلزل نسازد» (ترجمه)

(«دستخطهای بیت العدل اعظم»، ج ۱، ص ۲۰ - ۲۲)

۳۱ - بیت العدل اعظم که بفرموده هیکل مبارک حضرت ولیّ امر الله در آینده ایام به عنوان «آخرین ملجاء و پناه مدنیت متزلزل و پیر آشوب» محسوب. در حال حاضر در غیبت ولیّ امر تنها مؤسسه ای است در عالم که تحت هدایت مصون از خطای الهی قرار داشته و همه باید بآن ناظر باشند. این مؤسسه مسؤولیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی را بر حسب نصوص مبارکه بر عهده دارد... (ترجمه)

(«دستخهای بیت العدل اعظم»، ج ۱، ص ۲۲۰)

۳۲ - معصومیت بیت العدل اعظم در حدود معینه خودش معلق به حضور ولیّ امر الله به عنوان عضو آن هیئت نیست.. هرچند از وظیفه ولیّ امر الله به عنوان عضو و رئیس مقدّس ما دام العمر بیت العدل اعظم خارج باشد مع ذلك در عین انجام امور در دائره مخصوص خود این حق و وظیفه را دارد که «حدود عمل قانون گزاری» بیت العدل اعظم را معلوم نماید بعبارة اخری ولیّ امر الله اختیار بیان این مطلب را داشته است که فلان موضوع در نصوص مقدّسه ذکر شده است یا نه و بنا بر این آیا در حیطه اختیار بیت العدل اعظم بوده است که در باره آن قانونی وضع نماید یا خیر و غیر از ولیّ امر الله هیچکس حق واقتدار چنین اظهارنظری را ندارد و در نتیجه این سؤال پیش میآید که در غیبت ولیّ امر الله آیا بیت العدل اعظم در معرض انحراف از منهج مستقیم خود نخواهد بود و در ورطه خطا و اشتباه نخواهد افتاد؟ در اینجا سه موضوع را ما باید بخاطر بیاوریم:

اول: اینکه حضرت شوقی افندی طی سی و شش سال دوره ولایت خود تبیینات و توضیحات بیشمار ادا فرموده و بیانات حضرت عبد البهاء و جمال اقدس ابهی را تکمیل نموده است و چنانکه قبلاً به یاران خاطر نشان گردیده بیت العدل اعظم برای اینکه در موضوعی بخواهد وضع قانون نماید این عمل

قانون گزاری همیشه مسبوق به تمقن دقیق در آثار و تبیینات مبارکه میباشد.

ثانیاً: بیت العدل اعظم با اینکه متکی به هدایت الهیه است بخوبی غیبت ولی امر الله را درك میکند و تنها موقعی بوضع قانون می پردازد که از شمول آن در حوزه حاکمیت و اختیار خود مطمئن باشد. حوزه حاکمیتی که حضرت ولی امر الله مؤکداً در باره آن میفرمایند: «به کمال وضوح تعیین و تصریح گردیده است».

ثالثاً: ما نباید بیان کتبی حضرت ولی امر الله را در باره این دو مؤسسه فراموش کنیم که می فرماید: «هیچکدام از آنها نمیتواند و هرگز نباید به حدود و وظائف مقدسه و مقررّه دیگری تخطی نماید».

(دستخطهای بیت العدل اعظم، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۷)

۳۳ - بیت العدل اعظم علاوه بر وظیفه تشریح به وظائف وسیعه دیگری یعنی محافظه و اداره امر الله و حلّ مسائل مبهمه و حکم در امور ما به الاختلاف نیز موظف گشته است.

(«Messages from the Universal House of Justice: 1968 - 1973», pp. 38-39)

۳۴ - به بیت العدل عمومی این حق انحصاری اعطا شده که در باره مسائل غیر منصوص در آثار بهائی وضع قانون نماید. واحکام صادره از بیت العدل عمومی که خود آن هیأت حق اصلاح و نسخ آنرا دارد در حکم متمم وسیله اجرای قانون الهی است و هرچند وظیفه تبیین به بیت العدل تفویض نشده و لکن این هیأت صلاحیت دارد که برای استقرار نظم جهانی حضرت بهاء الله در روی زمین به هر اقدامی که لازم داند قیام نماید و یقین است در امر بهائی با در دست داشتن نصوص محکمه الهیه و تبیینات مفصله حضرت عبد البهاء و حضرت شوقی ربّانی

وحدت عقیده و ایمان حفظ می‌گردد مضافاً به اینکه علیه هر کس که از پیش خود تفسیر یا تبیین نماید و آنرا باصطلاح «معتبر» یا «ملهم» داند و بخواهد وظیفه ولی امر الله را غصب نماید منع و تحذیر اکید صادر گردیده است. وحدت اداری و تشکیلات بهائی نیز با اقتداری که به بیت العدل عمومی داده شده تأمین شده است. (ترجمه)

(بیان حضرت ولی امر الله منقول در «دستخطهای بیت العدل اعظم»، ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۵)

- ۲۵

در امر بهائی دو مرکز منصوصند که به عنوان مرجع یاران تعیین شده اند درحقیقت مبین کلمة الله بمنزله فرع مرکزی است که عبارت از نفس کلمة الله است. یعنی کتاب الهی مجموعه بیانات حضرت بهاء الله است و مبین بمنزله لسان زنده آن کتاب زیرا فقط و فقط مبین است که اختیار دارد که بگوید معنی آیات کتاب چیست. به این نحو ملاحظه میشود که يك مرکز عبارت است از کتاب الله و مبین منصوصش و مرکز دیگر بیت العدل اعظم که به هدایت الهی به تشریح آنچه بالصراحة در کتاب الله منصوص نگشته مأمور است. شیوه مذکور یعنی وجود دو مرکز امر الله و تعیین روابط بین آنها در هر مرحله از مراحل امر الهی مشهود است. در کتاب اقدس حضرت بهاء الله مؤمنان را دلالت میفرماید که پس از صعود حضرتش به کتاب الله و به «من اراده الله الذي انشعب من هذا الاصل القديم» ناظر باشند. در کتاب عهدی حضرت بهاء الله میفرماید که مقصود از آن آیه مبارکه حضرت عبدالبهاء است. و نیز حضرت بهاء الله در کتاب اقدس مؤسسه بیت العدل اعظم را تأسیس و اختیاراتی را که برای اجراء وظائف معینه اش لازم است تنصیب فرموده است. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا صریحاً به تأسیس مؤسسه ولایت امر الله که بنابه تصریح حضرت شوقی افندی در آیات کتاب اقدس نیز مندمج است پرداخته و نیز در همان الواح وصایا اختیارات بیت العدل اعظم را

تأیید و توضیح میفرماید و جمع مؤمنان را باز متوجه کتاب
 الله میسازد ... «مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه
 راجع به بیت عدل عمومی» و در آخر الواح وصایا میفرماید
 «کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کل
 مخالف فی ضلال مبین» (ترجمه).

(«Messages from the Universal House of Justice: 1968 - 1973», pp. 42 - 43)

پنجم - وفای به عهد و میثاق ضامن آن است که: «... وحدت و صفای امر الهی محفوظ ماند...»

۳۶ - ... قوه میثاق امر بهاء الله را از شبهات اهل ضلال محافظت نماید و حصن حصین امر الله است و رکن متین دین الله. الیوم هیچ قوه ئی وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی محافظه ننماید و الا اختلاف مانند طوفان اعظم عالم بهائی را احاطه نماید بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و پس.. پس باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تأییدات بهاء الله از هر جهت احاطه کند و جنود ملاً اعلی معین و ظهیر گردد و نصایح و وصایای عبد البهاء در قلوب مانند نقش در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند.

(«مکاتیب عبد البهاء»، ج ۲، ص ۲۹ - ۳۰)

۳۷ - ... پس قدم را ثابت نمائید و به نهایت قوت به نشر نفعات الهیه و اعلاء کلمة الله و ثبات بر میثاق پردازید و یقین بدانید که اگر نفسی با کمال استقامت ندا به ملکوت نماید و به نهایت متانت ترویج میثاق کند اگر مور ضعیف است فیل عظیم را از میدان فرار دهد و اگر پشه نحیف باشد عقاب کاسر را بال و پر بشکند...

(«منتخباتی از مکاتیب»، ش ۱۸۴، ص ۲۰۴)

۳۸ - ... تقدّم و اعتلای امر الهی یوماً فیوماً در ازدیاد است به یقین مبین میتوان در انتظار روزی بود که جامعه بهائی به مشیت ربّانی مراحل را که ولی محبوب امرش پیش بینی فرموده طی کند و در این خاکدان پر ابتلا سراپرده ملکوت الله را برافرازد تا عالم امکان از هیجان و اضطراب و هرج و مرج و خرابی و دمار که به دست خود فراهم آورده رهائی یا بد و لهیب نار ضغینه و بغضا و ظلم و جفا به روابط ابدیه اخوت و الفت و وفا و صلح

و سلام عمومی مبدل شود این امور کلاً در ظلّ لوای میثاق اب
جاودانی یعنی عهد و پیمان جمال اقدس ابهی تحقق خواهد
یافت. (ترجمه)

(پیام بیت العدل اعظم، رضوان ۱۳۰ (۱۹۷۳))

(اخبار امری ایران. سأل ۵۲، ش ۵، ص ۱۳۸)

۳۹ - اهل بهاء باید به یقین مبین بدانند که امر الله در قبضه حفظ
و حراست پروردگار است و عهد و میثاق حضرت بهاء الله در سرّ
از فساد مصون و مبری باید اعتماد کامل داشته باشند به اینکه
بیت العدل اعظم «تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست
و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ روحی لهما الفدا» قادر است
باجراء وظائف محوله موفق گردد. (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم، ۲۸ می ۱۹۷۵)

۴۰ - الیوم قوه نباض در شریان آفاق روح میثاق است که سبب حیات است هر که از این روح زنده شد تولد تازه یافت و به روح القدس تعمید گرفت و حیاتش جمال و صفائی تازه پذیرفت. از قید ظلم و عداوت و غفلت و قساوت برست و از مرگ روحانی نجات یافت و به زندگی پاینده رسید الحمد لله که تو بر عهد و میثاق ثابتی و به نیر آفاق حضرت بهاء الله متوجه و ناظر. (ترجمه).

(از آثار حضرت عبد البهاء منقول در «نجم باختر» ج ۱۴، ش ۷، ص ۲۲۵)

۴۱ - ... بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس... قوه میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد به همچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید.

(«کتاب قرن بدیع» ج ۳، ص ۶، ۷)

۴۲ - امروز ربّ الجنود حامی میثاق است و قوای ملکوت محافظ میثاق و نفوس آسمانی خادم میثاق و فرشته های ملکوتی مروج میثاق بلکه اگر بدیده بصیرت نظر بشود جمیع قوای عالم بالنتیجه خادم میثاق...

(«منتخباتی از مکاتیب» ش ۱۹۲، ص ۲۲۱)

۴۳ - ... سوء تفاهم ممکن نیست به هیچ قوه ئی زائل شود مگر به قوه میثاق؛ قوه میثاق کلمه جامعه است و حلال مشکلات زیرا به نص صریح به اثر قلم اعلی میفرماید هر سوء تفاهمی که حاصل شود مراجعت به مرکز عهد کنید...

(لوح مبارک حضرت عبد البهاء خطاب به مارثا روت).

۴۴ - اگر حصن حصین امر الله را قوه حارسه محافظت نمی نمود در جمع اهل بهاء دریک روز هزار فرقه به مثل ادوار سابقه ایجاد

میشد اما در این دور مبارک جهت دوام امر الله و حفظ احبّاء الله از تفرقه و اختلاف جمال مبارک روحی له الفدا به قلم اعلی عهد و میثاق را مرقوم فرمود. (ترجمه)

(«Baha'i' World Faith», 1976, pp. 357 - 358).

۴۵ - چنین مجهوداتی^(۱) سفینه میثاق حضرت بهاء الله را به بحر پر تلاطم بلایای بیکران افکند. ناخدایش حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق جمال ابهی بود که به بازوی توانا به هدایت سگانش مألوف و مداوم و ملاحانش جمعی پیروان فداکار که به خدمات بدیعه و مهمم عالییه به واجباتش مشغول و قائم. از بدایت ایام این سفینه عهد و میثاق بی اعتنا به لطمات طوفان مصائب که بر آن مهاجم بوده و هست به طرف مقصد خویش در حرکت است و آرام رو به ساحل امن و امان نهاده به پیش می رود. (ترجمه)

(The World Order of Baha'u'lla'h», 1982, p. 84).

۴۶ - عهد و میثاق «محور وحدت عالم انسان است» زیرا وحدت و اصالت نفس امر الله را محافظت نماید و آنرا از فساد افرادی مصون دارد که فهم خویش را یگانه ملاک اعتقاد صحیح تعالیم الهی شمارند. این نفوس در ادوار گذشته سبب انشقاق ادیان بوده اند. بعلاوه عهد و میثاق الهی مستند و متکی به نصوص قاطعه حضرت بهاء الله است لهذا اگر نفسی عهد و پیمان جمال ابهی را قبول نماید حضرت بهاء الله را قبول کرده و اگر رد نماید حضرت بهاء الله را انکار کرده است. (ترجمه)

(قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم ۳ ژانویه ۱۹۸۲).

(۱) مقصود مجهودات اهل بهاء در سبیل استقرار امر بهائی در جهان غرب است.

کتاب شناسی

مشخصات کامل کتبی که نصوص مبارکه از آنها استخراج شده است:

- حضرت بهاء الله . منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله (لانگنهاین: لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۱ ب) ۲۲۲ ص.
- مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین: لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۳۷ ب) ۱۷۵ ص.
- مناجاة، مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرة بهاء الله (ریودوجانیرو: دار النشر البهائیه. ۱۹۸۲ م) ۲۴۴۰ ص
- حضرت اعلى . منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ ب) ۱۵۶ ص.
- حضرت عبد البهاء . الواح وصایای مبارکه حضرت عبد البهاء (قاہرہ: ابو القاسم گلستانہ، ۱۳۴۲ ق) ۲۹ ص.